

نقد و بررسی تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده در احکام القرآن جصاص با مقایسه دیدگاه‌های تفسیری المیزان، مجمع‌البیان، مفاتیح‌الغیب و الدر المنثور

سارا طبّاخ^۱

چکیده

آیه ۶۷ سوره مائده، مشهور به «آیه تبلیغ»، در سنت تفسیری اسلامی جایگاهی فراتر از یک دستور عام برای تبلیغ احکام یافته و به‌ویژه در بستر واقعه غدیر خم اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. بررسی تطبیقی تفاسیر نشان می‌دهد که رویکردها در تبیین این آیه متفاوت بوده است: جصاص در احکام القرآن با نگاه صرفاً فقهی، آیه را ناظر به وجوب تبلیغ عام دانسته و از پیوند آن با ولایت حضرت علی (ع) غفلت کرده، در حالی که در آیه استخلاف (نور/۵۵) وارد عرصه سیاسی شده و تحقق وعده الهی را در خلافت خلفای راشدین دانسته است. این دوگانگی بیانگر رویکرد گزینشی او در مواجهه با آیات است. در مقابل، تفاسیر شیعی همچون المیزان علامه طباطبایی و مجمع‌البیان طبرسی، با استناد به روایات شیعه و برخی منابع اهل سنت، آیه تبلیغ را به اعلان ولایت علی (ع) مرتبط دانسته و آن را نقطه تکمیل رسالت معرفی کرده‌اند. همچنین سیوطی در الدر المنثور و فخر رازی در مفاتیح‌الغیب با ذکر روایات متعدد، نشان داده‌اند که حتی در سنت اهل سنت نیز شأن نزول آیه به غدیر خم مطرح بوده است؛ هرچند گرایش نهایی برخی مفسران به تبلیغ عام باقی مانده است. جمع‌بندی این پژوهش نشان می‌دهد که لحن شدید آیه («فما بلغّ رسالته») و وعده عصمت الهی («والله یعصمک من الناس») بر ابلاغ امری بنیادین دلالت دارد. از این رو، تفاسیر ولایت‌محور با ارائه انسجام مفهومی، تاریخی و روایی، توانسته‌اند جایگاه حقیقی آیه تبلیغ را روشن سازند و آن را به اعلان

طلبه سطح ۳، مدرسه علمیه تخصصی کوثر سلام الله علیها، تهران

vyaaali073@gmail.com

ولایت علی (ع) پیوند دهند؛ در حالی که رویکرد محدود جصاص، تبیین ناقص و کم‌عمقی از آیه ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: آیه تبلیغ، سوره مائده، أحكام القرآن جصاص، المیزان، مجمع‌البیان، مفاتیح الغیب، الدر المنثور، نقد محتوایی

مقدمه

آیه ۶۷ سوره مائده، از جمله آیاتی است که در تاریخ اندیشه اسلامی جایگاهی مناقشه‌برانگیز داشته است. این آیه با لحنی هشداردهنده و همراه با وعده‌ی حمایت الهی، پیامبر اکرم (ص) را به رساندن فرمانی خاص ملزم می‌سازد؛ فرمانی که ترک آن مساوی با ترک کل رسالت معرفی شده است. شدت لحن و مضمون آیه سبب شده تا مفسران شیعه و اهل سنت برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه دهند؛ برخی آن را در چارچوب تبلیغ عام شریعت و احکام دانسته‌اند و برخی دیگر آن را در پیوند با مسئله ولایت و واقعه غدیر خم تفسیر کرده‌اند. اهمیت این موضوع در آن است که آیه تبلیغ نه تنها در حوزه‌ی تفسیر قرآن، بلکه در مباحث کلامی و تاریخی اسلام نقشی بنیادین دارد. اگر آیه صرفاً ناظر به تبلیغ عمومی باشد، جایگاه آن در کنار دیگر آیات تبلیغی قرار می‌گیرد؛ اما اگر به اعلان ولایت علی (ع) مربوط باشد، نقطه‌ی عطفی در تاریخ اسلام و تکمیل رسالت پیامبر محسوب می‌شود. از این رو، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران فریقین می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد مفهومی و تاریخی آیه کمک کند. میتوان به مقاله ای اشاره کرد که به بازکاوی تفسیر فقهی جصاص پرداخته‌اند، شرح حال جصاص را با عناوینی چون «علامه» و «مفتی» آورده است. (ذهبی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۳۴۰). و همچنین، در پژوهشی با عنوان نقد دیدگاه تفسیری فخر رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در تفسیر آیه تبلیغ به بررسی و نقد دیدگاه‌های چهار مفسر برجسته اهل سنت پرداخته و نشان داده است که چگونه رویکردهای آنان با شواهد تاریخی و روایی واقعه غدیر خم سنجیده می‌شود. پژوهش حاضر با موضوع «نقد دیدگاه جصاص بر اساس تفاسیر المیزان، الدر المنثور، مفاتیح الغیب و مجمع‌البیان» سامان یافته است.

هدف اصلی بررسی و تحلیل دیدگاه‌های جصاص در پرتو مقایسه با دیگر تفاسیر برجسته قرآن کریم است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای انتخاب شده است. داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای شامل آثار اصلی جصاص و تفاسیر مورد نظر گردآوری می‌شود. ابتدا دیدگاه‌های جصاص در موضوعات کلیدی استخراج شده، سپس با آرای مفسران دیگر در تفاسیر یاد شده مقایسه می‌گردد. در نهایت، نقاط قوت، ضعف و تفاوت‌های روش‌شناختی و محتوایی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد امکان می‌دهد تا ضمن شناخت دقیق جایگاه جصاص در سنت تفسیری، میزان تأثیرپذیری یا تمایز او نسبت به دیگر مفسران برجسته روشن گردد.

«معرفی مفسر و روش تفسیری جصاص»

ابوبکر احمد بن علی بن محمد الرازی الجصاص از برجسته‌ترین فقه‌های و مفسران حنفی در قرن چهارم هجری است. (جصاص، ۱۴۱۷، ۱/ ۷۶؛ بغدادی، ۱۴۴۲، ۵/ ۵۱۵). شرح حال نگاران او را به عنوان فردی عابد و از نظر علمی برجسته میدانستند. و او را مفتی یا فقیه می‌نامیدند. (ذهبی، ۱۴۱۲، ۱۶/ ۳۴۰؛ کحاله، ۱۴۱۴، ۱۱/ ۲۹۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۱۱/ ۲۹۷) و در بغداد می‌زیست. (جصاص، ۱۴۰۵-۱۴۰۸، ۱/ ۱۱ و ۱۴ و ۲۴) و آثار مهمی چون احکام القرآن و الفصول فی الأصول را نگاشت. (جصاص، ۱۴۰۵، ۱/ ۲۲-۲۳) این اثر نزد فقیهان حنفی جایگاهی ممتاز دارد و از مهم‌ترین منابع در حوزه تفسیر فقهی و معتزلی محسوب می‌شود. جصاص در این کتاب، آیات مشتمل بر احکام شرعی را به ترتیب سوره‌ها و آیات بررسی کرده و ساختار اثر را بر اساس ابواب فقهی سامان داده است. (ذهبی، ۱۹۸۷، ۲، ۴۸۰/)

جصاص در جریان تفسیر خود، گاه به طرح مباحث فقهی‌ای پرداخته که مستند صریح قرآنی ندارند و آن‌ها را در پیوند با موضوعات مورد بحث توضیح داده است. او در بسیاری از موارد، علاوه بر آیه اصلی، به دیگر آیات قرآن و نیز روایات پیامبر استناد کرده و از این طریق دیدگاه‌های خویش را

تقویت نموده است. همچنین، آرای فقهای نخستین — به‌ویژه صحابه و تابعین — و حتی نظر فقیهان دیگر مذاهب اهل سنت را در مباحث مختلف نقل کرده است.

کتاب احکام القرآن تنها به مسائل فقهی محدود نمی‌شود، بلکه دربردارنده نکات متنوعی در حوزه‌های قرآنی، حدیثی، ادبی و کلامی نیز هست. جصاص در این اثر با رویکردی آشکارا جانبدارانه از مذهب حنفی دفاع کرده و در مواجهه با مخالفان، به‌ویژه امام شافعی، از لحنی تند و انتقادی بهره برده است. (جصاص، ۱۹۹۴، ۲، ۱۴۸)

در مجموع، جصاص را باید از برجسته‌ترین نمایندگان تفسیر فقهی در سنت حنفی دانست؛ شخصیتی که با تعصب آشکار نسبت به مذهب خود، در آثارش کوشیده است هم‌مبانی فقهی را از دل آیات قرآن استخراج کند و هم در برابر دیدگاه‌های دیگر مذاهب اهل سنت موضع‌گیری نماید. اهمیت او تنها در نگارش کتاب احکام القرآن خلاصه نمی‌شود، بلکه در شیوه‌ای است که برای پیوند دادن نص قرآنی با مسائل فقهی و کلامی برگزیده است. همین رویکرد، جایگاه ویژه‌ای به تفسیر او بخشیده و موجب شده تا بررسی نمونه‌هایی از تفسیر وی، به‌ویژه در آیات کلیدی قرآن، اهمیت دوچندان یابد.

می‌توان گفت آیات الاحکام ارزش علمی والایی دارد. زیرا برخی از مفسران برای برخی مسائل به کتاب جصاص رجوع می‌کردند. از جمله می‌توان به البرهان زرکشی (زرکشی، ۲/ ۴۰) و البیان آیت الله خویی (خویی، ۱۴۲۱، ۲۹۳ تا ۳۴۶) اشاره کرد. که در بحث ناسخ و منسوخ به احکام القرآن جصاص رجوع کردند.

از این رو، در ادامه مقاله به تحلیل دیدگاه جصاص در تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده خواهیم پرداخت؛ آیه‌ای که به‌عنوان یکی از مباحث مهم در حوزه کلام و فقه، جلوه‌ای روشن از روش تفسیری او را آشکار می‌سازد.

بررسی دیدگاه جصاص در کتاب احکام القرآن درباره آیه تبلیغ

اکنون به بررسی دیدگاه و تفسیر جصاص در کتاب احکام قرآن پرداخته خواهد شد که به شرح زیر می باشد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۚ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (مکارم شیرازی ۶۷/ مایده)

در احکام القرآن جصاص آمده که آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» متضمن فرمانی است به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که آنچه از جانب پروردگار بر او نازل شده است، اعم از کتاب و احکام، را بی‌هیچ کتمان و بیمی به مردم برساند و در تبلیغ آن مداهنه و سازشی روا ندارد. خداوند متعال بیان می‌فرماید که اگر پیامبر در رساندن بخشی از این رسالت کوتاهی کند، در حقیقت رسالت الهی را به انجام نرسانده است؛ چنان‌که در ادامه می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». بدین‌سان، جایگاه پیامبری تنها با ادای کامل رسالت و تبلیغ احکام تحقق می‌یابد.

همچنین خداوند وعده صریح می‌دهد که پیامبر را از گزند مردم نگاه خواهد داشت: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ». این وعده نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تقیه و پنهان‌کاری در تبلیغ رسالت وجود نداشته است و ادعای کسانی که گمان کرده‌اند پیامبر برخی از احکام را از بیم مردم کتمان کرده، باطل است. زیرا خداوند او را مأمور به تبلیغ همه آنچه نازل شده و در عین حال ضامن حفظ و حمایت او از هرگونه قتل، قهر یا اسارت گردیده است.

همچنین از این آیه در این کتاب تفسیری فهمیده می‌شود، این که هر حکمی که مردم بدان نیاز عمومی داشته‌اند، پیامبر آن را به صورت آشکار و فراگیر ابلاغ کرده است. بنابراین، چنین احکامی باید از طریق تواتر به ما رسیده باشد؛ مانند احکام وضو در مواردی چون تماس با زن یا لمس آتش‌خورده‌ها. اگر چنین مسائل مبتلا به عمومی از راه تواتر نقل نشده باشد،

همچنین روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد پیامبر هیچ بخشی از وحی را کتمان نکرده است.

در روایت ابن عباس، آیه به عنوان یکی از سخت‌ترین آیات بر پیامبر معرفی شده، زیرا او را مأمور به تبلیغ آشکار در برابر مشرکان کرد، با وجود آزار شدید آنان.

بنابراین با توجه به مطالبی که در الدر المنثور آمده درمی‌یابیم که آیه نه تنها به تبلیغ عام رسالت اشاره دارد، بلکه روایات متعددی آن را به غدیر خم و ولایت علی (ع) پیوند می‌دهند. (سیوطی، ۱۱۶/۳-۱۱۷) با توجه به این نکته می‌توان دیدگاه جصاص را که آیه را صرفاً ناظر به تبلیغ احکام عمومی می‌داند، نقد کرد.

نقد و ارزیابی نهایی دیدگاه جصاص در مقایسه با المیزان و مجمع‌البیان، الدر المنثور و مفاتیح الغیب

بررسی تطبیقی آیه ۶۷ سوره مائده نشان داد که تفسیر جصاص با وجود توجه به جنبه فقهی و تکلیف پیامبر در تبلیغ عام، در سطح معنای کلان آیه دچار کاستی‌های جدی است. او آیه را صرفاً هشدار نسبت به ترک بخشی از احکام دانسته و از پیوند تاریخی و روایی آن با واقعه غدیر خم غفلت کرده است. این رویکرد، هرچند در چارچوب فقهی قابل‌فهم است، اما با شدت لحن آیه («فما بلغت رسالته») و وعده ویژه «والله يعصمك من الناس» تناسب ندارد.

در مقابل، المیزان با تکیه بر روایات مشترک شیعه و اهل سنت، آیه را نقطه عطفی در تاریخ اسلام و اعلان ولایت علی (ع) معرفی می‌کند. این تفسیر توانسته است لحن شدید آیه و وعده عصمت را در چارچوب یک واقعه اجتماعی-سیاسی حساس توضیح دهد و نشان دهد که ترک اعلان ولایت مساوی با ترک رسالت است.

همچنین، مجمع‌البیان با رویکرد جامع، ضمن نقل دیدگاه‌های اهل سنت درباره تبلیغ عام، روایات شیعه را نیز برجسته کرده و آیه را دارای دو بُعد

دانسته است: تبلیغ عام رسالت و اعلان خاص ولایت علی (ع). این جامع‌نگری، تفسیر طبرسی را از یک سو به سنت اهل سنت نزدیک می‌کند و از سوی دیگر، با روایات شیعه پیوند می‌دهد و بدین سان تبیین کامل‌تری از آیه ارائه می‌دهد.

و همچنین، الدر المنثور سیوطی با گردآوری روایات متعدد از صحابه و تابعین، نشان می‌دهد که حتی در منابع اهل سنت، شأن نزول آیه به غدیر خم و ولایت علی (ع) مرتبط دانسته شده است. روایت ابو سعید خدری، ابن مسعود و ابن عباس، همگی بر این نکته تأکید دارند که پیامبر مأمور به اعلان ولایت علی (ع) بود و این آیه در حساس‌ترین شرایط اجتماعی-سیاسی نازل شد. بدین سان، سیوطی با رویکرد روایی، بُعد خاص ولایت را در کنار تبلیغ عام برجسته کرده است.

از سوی دیگر، فخر رازی در مفاتیح الغیب با رویکرد تحلیلی و جامع، ده شأن نزول برای آیه ذکر می‌کند؛ از جمله ماجرای یهود، جهاد، تهدید دشمنان و نیز نصب علی (ع) در غدیر خم. هرچند او در تحلیل نهایی به تبلیغ عام وحی گرایش دارد، اما دست‌کم روایت ولایت را نقل کرده و آن را در شمار احتمالات معتبر آورده است. این نشان می‌دهد که حتی در سنت تفسیری اهل سنت، ارتباط آیه با ولایت علی (ع) مطرح بوده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

بنابراین، مقایسه این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که سکوت و بی‌اعتنایی جصاص نسبت به روایات ولایت، ضعف جدی در تفسیر اوست؛ در حالی که دیگر مفسران—چه شیعه و چه برخی اهل سنت—آیه را فراتر از یک هشدار عمومی دانسته و آن را در پیوند با اعلان ولایت علی (ع) فهم کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی آیه ۶۷ سوره مائده («آیه تبلیغ») در تفاسیر مختلف نشان می‌دهد که این آیه جایگاهی فراتر از یک دستور عمومی برای تبلیغ احکام دارد و در بستر تاریخی و روایی اسلام، به‌ویژه در واقعه

غدير خم، معنا و اهميت ويژه اي يافته است. در احكام القرآن، جصاص با رويكردي صرفاً فقهي، آيه تبليغ را ناظر به وجوب تبليغ عام دانسته و از پيوند آن با ولايت حضرت علي (ع) غفلت کرده است. اين در حالي است كه همين مفسر در آيه ۵۵ سوره نور («آيه استخلاف») به صراحت وارد عرصه سياسي و تاريخي شده و تحقق وعده الهي را در خلافت چهارگانه خلفاي راشدين دانسته است. اين دوگانگي نشان مي‌دهد كه جصاص در مواجهه با آيات، رويكردي گزينشي دارد: در آياتي كه به‌طور مستقيم در سنت شيعي به ولايت علي (ع) استناد شده، از ورود به مباحث سياسي پرهيز مي‌كند؛ اما در آياتي كه مي‌تواند به مشروعيت خلافت اهل سنت مرتبط شود، به صراحت وارد بحث سياسي مي‌شود. در مقابل، تفاسير شيعي و برخي منابع اهل سنت نگاه جامع‌تري ارائه کرده‌اند. علامه طباطبائي در الميزان، با استناد به روايات شيعه و برخي روايات اهل سنت، آيه تبليغ را به اعلان ولايت علي (ع) مرتبط مي‌داند و نشان مي‌دهد كه ترك اين اعلان مساوي با ترك كل رسالت است. طبرسي در مجمع البيان، با رويکرد جامع، هم ديده‌گاه‌هاي اهل سنت و هم روايات شيعه را نقل کرده و آيه را داراي دو بُعد دانسته است: تبليغ عام رسالت و اعلان خاص ولايت علي (ع). سيوطي در الدر المنثور، با گردآوري روايات متعدد از صحابه و تابعين، نشان مي‌دهد كه حتي در منابع اهل سنت نيز شأن نزول آيه به غدير خم و ولايت علي (ع) مرتبط دانسته شده است. فخر رازي در مفاتيح الغيب، با رويکرد تحليلي، شأن نزول‌هاي مختلف را ذكر کرده و روايت ولايت را نيز در شمار احتمالات آورده است؛ هرچند در تحليل نهايي به تبليغ عام گرايش دارد، اما جامعيت او نشان مي‌دهد كه مسئله ولايت در سنت اهل سنت نيز مطرح بوده است.

در جمع بندي نهايي مي‌توان گفت كه، آيه تبليغ با لحن شديد («فما بلغت رسالته») و وعده عصمت الهي («والله يعصمك من الناس») به وضوح بر ابلاغ امري بنيادين دلالت دارد كه فراتر از تبليغ احكام عمومي است. تفاسير ولايت محور توانسته‌اند انسجام مفهومي، تاريخي و روايي آيه را توضيح دهند و آن را به اعلان ولايت علي (ع) پيوند دهند. در مقابل، تفسير جصاص با محدود كردن آيه به تبليغ عام، از اين ظرفيت غفلت کرده و در نتيجه ناقص و كم عمق جلوه مي‌كند. بنابراين، برتري تفاسير ولايت محور در تبیین آيه تبليغ آشكار است و نشان مي‌دهد كه اين آيه نقطه عطفی در تاريخ اسلام و تكميل رسالت پيامبر اكرم (ص) بوده است.

قران

منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۲. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام و حجة الخصام، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۴۲ ق.
۳. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۴. جصاص، احمد بن علی، أصول الفقه (الفصول فی الاصول)، ج ۱، چاپ عجیل جاسم نشمی، کویت، ۱۴۰۵-۱۴۰۸ ق.
۵. جصاص، احمد بن علی، مختصر اختلاف العلماء، ج ۱، بیروت، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دارالشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۷. رزاقی، هادی، «نقد دیدگاه تفسیری فخر رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در تفسیر آیه تبلیغ»، مطالعات تفسیری، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۲.
۸. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.
۹. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

١٠. سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابي بكر، الدر المنثور، دار الفكر، بيروت، بى تا.
١١. طبرسي، فضل بن حسين، ترجمه مجمع البيان فى تفسير القرآن، ترجمه رسولى و هاشمى، فراهانى، تهران، ١٣٥٠-١٣٦٣ ش.
١٢. طباطبايى، محمد حسين، الميزان، دفتر انتشارات اسلامى، قم، ١٣٧٤ ش.
١٣. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير عياشى، المطبعة العلميه، تهران، ١٣٨٠ ق.
١٤. فخر رازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٠ ق.
١٥. كحاله، عمر رضا، معجم المؤلفين، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤١٤ ق.
١٦. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على، تاريخ مدينه السلام، ج ٥، دار الغرب الاسلامى، بيروت، ١٤٤٢ ق.
١٧. ذهبى، محمد حسين، التفسير و المفسرون، ج ٢، بيروت، ١٤٠٧ ق/١٩٨٧ م.
١٨. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر، البدايه و النهايه، مكتب المعارف، بيروت، ١٤٠٨ ق.
١٩. موسى خويى، سيد ابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، چاپ ششم، دار الزهر، ١٤٢١ ق.